

نوع مقاله: ترویجی

مبانی نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی

محمد بیدار برجین علیا / استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Bidar.Mohamad@yahoo.com  orcid.org/0009-0000-7270-4531

nasransari@yahoo.com

نصرتالله انصاری / دکترای علوم اقتصادی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

چکیده

یکی از چالش‌های اساسی در حوزه‌های عمومی که به یک مسئله مهم در اقتصاد سیاسی جدید تبدیل شده، پی‌گیری نفع شخصی مادی از سوی افراد و نادیده گرفتن منافع عمومی است. این موضوع، به پیدایش نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد نئوکلاسیک منجر شده که با مبانی و اهداف اقتصاد اسلامی ناسازگار است. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی، مبانی نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی را به دو دسته نظری و کاربردی تقسیم کرده و با اتکا بر مبانی مزبور، مفهوم و کارکرد نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی را متفاوت از رویکرد نئوکلاسیکی آن می‌داند. مبانی نظری و کاربردی نظریه انتخاب عمومی اسلامی نشان می‌دهد که دایره نفع شخصی به‌عنوان انگیزه اصلی انتخاب انسان، شامل منافع معنوی و اخروی نیز می‌شود که تنها با عقلانیت تکامل یافته، قابل درک و پی‌گیری است. مفهوم اسلامی انتخاب عمومی، چالش اصلی این نظریه را که تعارض منافع شخصی با منافع عمومی و در نهایت نادیده انگاشتن منافع عمومی باشد، از طریق گسترش دایره شمول منافع شخصی برطرف کرده و زمینه را برای دسترسی به اهداف اقتصادی اسلام از جمله عدالت اجتماعی فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مبانی نظری، مبانی کاربردی، نظریه انتخاب عمومی، اقتصاد اسلامی، اقتصاد سیاسی.

مقدمه

بعضی از اقتصاددانان مسلمان در خلال مباحث بخش عمومی روی «شورا» به عنوان مبنای انتخاب عمومی تأکید کرده‌اند که مندر قحف (۱۳۸۴) و نجات‌الله صدیقی (۱۳۸۴) از آن جمله‌اند. از نگاه آنان، شورایی بودن انتخاب، باعث می‌شود که مردم در متن تصمیم‌گیری قرار بگیرند و حاکمان ملزم به رعایت مصالح عمومی شوند. باید توجه داشت که «شورا»، سازوکاری برای رعایت مصالح عمومی است نه مبنای آن.

شهید صدر (۱۴۲۴ق) در کتاب *اقتصادنا* از مصالح اجتماعی انسان نام برده و تحقق آن را به انگیزه ذاتی تکامل یافته، منوط کرده که در پرتو تعالیم دین حاصل می‌شود. دین با توسعه دادن انگیزه ذاتی انسان، مصالح اجتماعی را در راستای مصالح شخصی قرار داده به فرد، انگیزه می‌دهد که برای تأمین منافع شخصی خود، منافع عمومی را نیز در نظر بگیرد. گرچه ایشان به مشکل انتخاب عمومی توجه داشته؛ ولی وارد بحث مبانی آن به عنوان یک نظریه نشده است.

نویسندگان کتاب *مبانی اقتصاد اسلامی* (۱۳۷۴) مجموعه‌ای از مبانی از جمله انسان اقتصادی، تقدم مصالح اجتماعی، عدالت اجتماعی، نقش بخش عمومی در اقتصاد و سیاست‌های دولت در بخش عمومی را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما به ارتباط آنها با انتخاب عمومی نپرداخته‌اند.

هادوی‌نیا (۱۳۸۳، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۸) و یوسفی (۱۳۸۶) از مبانی اقتصاد اسلامی به‌ویژه عقلانیت و انسان اقتصادی در اسلام، به عنوان هماهنگ‌کننده منافع فرد و جمع یاد کرده‌اند؛ بدون آنکه به مشکل یا نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی اشاره کنند.

نادران و رضایی (۱۳۹۰) از پنج رکن اساسی شامل «مشورت»، «توجه به امکان وجود انگیزه‌های شخصی در کارگزاران حکومتی»، «اهمیت رضایت افراد جامعه و عدم وجود برتری یک گروه بر دیگر مردم»، «وجود شفافیت و انتقادپذیری در حکومت» و «الزام‌های جایگاه کارگزاری حکومت اسلامی» به عنوان مبانی نظری و کاربردی سازوکار تصمیم‌گیری در بخش عمومی نام برده‌اند که اینها نیز به سازوکار اجرایی شبیه‌ترند تا مبانی.

بیبار (۱۳۹۷) ضمن تبیین ماهیت اقتصاد اسلامی، از انتخاب عمومی به عنوان یک نظریه علمی نام برده و در قسمت مبانی آن، به مواردی همچون «تقدم مصالح اجتماعی بر منافع فردی»، «حق

چالش‌های انتخاب در حوزه‌های عمومی و به صورت مشخص عرصه‌های حکمرانی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های کلان، به‌ویژه از منظر منافع اجتماعی منجر به پیدایش و گسترش نظریه‌ای به نام «نظریه انتخاب عمومی» در اقتصاد نئوکلاسیک شده که براساس آن، فرض دولتمردان خیرخواه و حافظ مصالح اجتماعی، ناسازگار با واقعیت خوانده شده و منطق انتخاب خصوصی که پیگیری نفع شخصی باشد، بر انتخاب عمومی نیز به نحوی تعمیم داده شده است. این نظریه در خاستگاه اصلی خود، بر فردگرایی روش‌شناختی انسان اقتصادی و بازار سیاست مبتنی است که ریشه در مبانی فلسفی اقتصاد متعارف دارند.

در اقتصاد اسلامی، با وجود چالش‌های انتخاب عمومی، نظریه مدونی به این نام وجود ندارد؛ ولی چالش‌های موجود باعث شده که پژوهشگران مسلمان در دهه‌های اخیر به مطالعه اقتصاد سیاسی با رویکرد اسلامی علاقه‌مندی نشان دهند و معیارهای انتخاب عمومی را از منظر عقلانیت در اسلام بررسی کنند. یکی از مباحث اصلی در این موضوع که به آن کمتر توجه شده، مبانی و کارکرد انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی است. بحث از مبانی، ضمن اینکه به روشن شدن مفهوم موردنظر از انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی کمک می‌کند، مسیر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و ایجاد ساختارها و سازوکارهای نهادی مناسب به‌منظور کاستن از چالش‌ها و رسیدن به انتخاب عمومی سازگار با اهداف اقتصادی - اجتماعی اسلام را نیز مشخص می‌کند. در این تحقیق، مبانی نظری انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی و کارکرد آن از منظر منافع اجتماعی بررسی می‌شود و نوآوری آن، تبیینی جدید از نظریه انتخاب عمومی در چارچوب مبانی اقتصاد اسلامی و مرتبط کردن آن با اهداف اقتصادی اسلام است.

پژوهندگان حوزه مطالعاتی اقتصاد اسلامی به مشکل انتخاب عمومی در اقتصاد جوامع اسلامی از جمله اقتصاد ایران توجه کرده و آثار متعددی را در این زمینه به‌ویژه در قسمت توصیه‌های هنجاری تدوین کرده‌اند؛ اما به تبیین آن به عنوان یک نظریه با مبانی و کارکرد خاص خود، کمتر پرداخته‌اند. در بحث مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی که نسبت به نظریه انتخاب عمومی، مبانی عام محسوب می‌شوند، آثار علمی متعددی منتشر شده؛ ولی پژوهش مستقل در خصوص بازتولید نظریه انتخاب عمومی از مبانی اقتصاد اسلامی صورت نگرفته است.

۱. مفهوم نظریه انتخاب عمومی

اصطلاح «انتخاب عمومی» مربوط به «نظریه انتخاب عمومی» (Public Choice Theory) به عنوان شاخه‌ای از علم اقتصاد است که رفتار افراد در محیط‌های غیربازاری، مانند سیاست، حکمرانی و بخش‌های عمومی و غیرخصوصی را با منطق اقتصادی تحلیل می‌کند (مولر، ۲۰۰۳، ص ۱). مفهوم مشترک نظریه انتخاب عمومی در همه رویکردها و زمینه‌های مطالعاتی، حاکمیت منطق واحد بر فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی است. از این رو انتخاب عمومی را رویکرد اقتصادی به سیاست تعریف کرده‌اند (گانینگ، ۱۳۸۵، ص ۳۷). تأکید نظریه انتخاب عمومی، بر پیگیری نفع شخصی در همه حوزه‌هاست، نه لزوماً بیشینه‌سازی آن.

در حوزه اقتصاد اسلامی نیز بعضی از پژوهش‌ها حاکی از آن است که انتخاب عمومی یک مفهوم کلی ثابت دارد که تحلیل رفتارهای سیاسی با ابزارهای تحلیلی علم اقتصاد خرد باشد. اگر این تحلیل با ابزارهای تحلیلی اقتصاد خرد متعارف صورت بگیرد، دستاورد آن، نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد متعارف خواهد بود و اگر با ابزارهای تحلیلی اقتصاد خرد اسلامی صورت بگیرد، انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی را نتیجه خواهد داد (بیدار، ۱۳۹۷، ص ۲۴۷-۲۵۳). از آنجاکه رویکرد تحلیل در دو اقتصاد متفاوت است، محتوای انتخاب عمومی هم متفاوت می‌شود.

تفاوت رویکردهای تحلیل ناشی از تفاوت در مبانی، به‌ویژه تعریف «انسان اقتصادی» است که خود ریشه در مبانی فلسفی مانند «معرفت‌شناسی»، «هستی‌شناسی»، «انسان‌شناسی» و «ارزش‌شناسی» دارد. اگر «انسان اقتصادی» مورد نظر اسلام، جایگزین «انسان اقتصادی» متعارف شود، تحلیل تغییر می‌کند؛ چراکه معیار عقلانیت که در کانون تحلیل قرار دارد، متفاوت می‌شود. معیار عقلانیت، منفعت‌گرایی است که بسته به تعریف منفعت، نوع عقلانیت تغییر می‌کند. اگر منفعت، محدود به منافع دنیایی تعریف شود، نوع عقلانیت، عقلانیت ابزاری یا عقلانیت محدود خواهد بود و اگر منفعت به صورت توسعه یافته و تعمیم داده شده به منافع دنیایی و آخرتی تعریف شود، نوع عقلانیت، عقلانیت تکامل یافته خواهد بود که یکی از کارکردهای آن، ایجاد سازگاری بین منافع شخصی و منافع عمومی و برطرف کردن مشکل انتخاب عمومی است. از این رو انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی به مفهوم پی‌گیری نفع شخصی به معنای وسیع آن است که منافع عمومی را هم پوشش می‌دهد.

و تکلیف بودن فعالیت‌های سیاسی»، «مسئولیت‌پذیری همگانی»، «حاکمیت اخلاق اسلامی بر فعالیت‌های سیاسی» و «انسان اقتصادی» پرداخته است. گرچه این موارد، از مبانی نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی محسوب می‌شوند؛ اما علاوه بر تطبیق مبانی با نظریه انتخاب عمومی و کارکرد آن، نیاز به تکمیل و افزودن بعضی از مبانی مانند معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی نیز دارد.

پناهی بروجردی (۱۳۹۷) مبانی رفتار انسان اقتصادی در اقتصاد اسلامی را عقلانیت عبادی قرار داده که رفتارهای انسانی را در همه عرصه‌ها از جمله عرصه اقتصاد، براساس یکی از سه انگیزه ترس از عذاب الهی، طمع به بهشت الهی و محبت الهی شکل می‌دهد.

توکلی (۱۴۰۰ الف) نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد اسلامی را به عنوان مبانی نظریه انتخاب عمومی مطرح کرده و نتیجه گرفته که اسلام محدودیت‌های بشر در انتخاب عقلایی را پذیرفته و تلاش کرده از طریق تقویت شناخت و اراده انسان، او را به سوی عقلانیت تکامل یافته رهنمون شود. در واقع، نظریه عقلانیت محدود برای پیشنهاد یک دیدگاه عینی‌تر از انتخاب عمومی در اسلام ارائه شده که ممکن است واقعیت یک جامعه اسلامی را توضیح دهد؛ اما حقیقت آن را هرگز. نظریه انتخاب عمومی در اسلام، تنها می‌تواند بر عقلانیت تکامل یافته مبتنی باشد؛ گرچه در مسیر تحقق آن، بایست به عقلانیت محدود نیز به عنوان موانع و مشکلات توجه داشت. به همین دلیل، ایشان در مقاله‌ای دیگر (۱۴۰۰ ب)، از عقلانیت در حال تکامل به عنوان مبانی نظام حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی اسلام یاد کرده است.

در مجموع، پژوهشگران حوزه اقتصاد اسلامی یا به توصیه‌های هنجاری برای حل مشکل انتخاب عمومی بسنده کرده‌اند؛ یا به برخی از سازوکارهای اجرایی آن اشاره کرده‌اند و یا عقلانیت در اسلام را به عقلانیت محدود تقلیل داده‌اند، تا از شکاف بین نظریه و واقعیت بکاهند. هیچ‌یک، بررسی جامعی از مبانی نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی ارائه نداده است، تا بتوان نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی را بر آنها مبتنی کرد. به نظر می‌رسد نگرانی از محدودیت‌های عرصه عمل، به نظریه سرایت داده شده در حالی که نظریه بایست به صورت کامل مطرح شود و محدودیت‌ها در فرایند راهبردها و راهکارهای عملی مورد توجه قرار گیرد.

۲. مبانی نظری نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی

هر نظریه مبتنی بر مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های اساسی است که به آنها مبانی گفته می‌شود. مبانی را از آن جهت مبانی نامیده‌اند که زیربنای بنیان‌های دیگر به‌شمار می‌روند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۶۵). با وجود برداشت‌های مختلف از اصطلاح «مبانی» که گویا باعث نوعی ابهام در مفهوم و کارکرد آن شده (توکلی، ۱۳۹۴)، منظور از مبانی در این تحقیق، پیش‌فرض‌های خاص یک علم یا نظریه است که یا بدیهی محسوب می‌شود و یا پیش‌تر در علوم دیگر به اثبات رسیده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۶۵). این مبانی، شامل پیش‌فرض‌های فلسفی مانند معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی می‌شود که نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی بر آنها مبتنی شده است.

۲-۱. مبانی معرفت‌شناختی

معرفت‌شناسی دانشی است که ارزش شناخت را مورد بررسی قرار می‌دهد (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۲۷۹). منظور از مبانی معرفت‌شناختی در این بحث، گزاره‌های خبری از دانش معرفت‌شناختی اسلامی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۸۸) که برای استنتاج مؤلفه‌های نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی به کار می‌روند. پرسش اصلی در معرفت‌شناسی این است که چگونه می‌توان به مؤلفه‌های نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی معرفت پیدا کرد؟ به‌صورت کلی، مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد اسلامی را به ماهیت شناخت‌ها، شرایط تحقق شناخت، منابع شناخت و ملاک اعتبار آن مربوط دانسته‌اند (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۴۹). از این‌رو پرسش اساسی معرفت‌شناختی به این صورت اصلاح می‌شود که چه چیزی در نظریه انتخاب عمومی، معرفت و شناخت معتبر محسوب می‌شود؟ باید توجه داشت که کسب معرفت نسبت به انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی، از هر جهت تابع شرایط کسب معرفت نسبت به اقتصاد اسلامی است؛ چراکه نظریه انتخاب عمومی بخشی از اقتصاد اسلامی به‌شمار می‌رود و مبانی آن چیزی خارج از محدوده مبانی اقتصاد اسلامی نیست. از این‌رو ماهیت شناخت‌ها، شرایط تحقق شناخت، منابع کسب معرفت و ملاک اعتبار آن در نظریه انتخاب عمومی بسان نظریه اقتصاد اسلامی است.

جنبه‌های مکتبی نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی، به روش اجتهادی از منابع اسلامی چهارگانه یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل استنباط می‌شود. در ارتباط با اعتبار معرفت کسب‌شده از طریق اجتهاد روش‌مند (فقاہت)، علاوه بر بحث مرجعیت و اینکه فقها در این‌گونه معرفت‌ها مرجع نهایی محسوب می‌شوند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹)؛ بعضی از پژوهشگران اقتصاد اسلامی سه ملاک واقع‌گرایی، توجیه‌پذیری و اسلامیت را برای اعتبارسنجی معرفی کرده‌اند (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۷۴). از این نظر معرفتی معتبر است که مطابق با واقع، توجیه‌پذیر و اسلامی باشد. واقع‌گرایی، یعنی معرفت باید در راستای تغییر واقعیت موجود به سمت واقعیت مطلوب اسلامی باشد. توجیه‌پذیری، یعنی معرفت یا از بدیهیات یا مبتنی بر بدیهیات باشد. اسلامیت، یعنی معرفت از منابع اسلامی (آیات و روایات) به‌دست آمده باشد (گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ص ۶۴).

از بعضی آیات قرآن و روایات نوعی معرفت نسبت به انتخاب عمومی حاصل می‌شود که از معیارهای سه‌گانه اعتبار (واقع‌گرایی، توجیه‌پذیری و اسلامیت) برخوردار است؛ زیرا این معرفت‌ها درصدد است که واقعیت‌های موجود را به سمت واقعیت‌های مطلوب هدایت کند. به‌عنوان نمونه، یکی از واقعیت‌های موجود در رفتار انسان‌ها این است که تحت تأثیر منافعشان در دنیا، از منافع آخرتشان غفلت می‌کنند. قرآن کریم، درصدد برآمده که واقعیت موجود دنیاگرایی را به سمت واقعیت مطلوب آخرت‌گرایی سوق دهد (آل عمران: ۱۴). به انسان‌ها بفهماند که منافع آخرت برای آنها بهتر است (نساء: ۷۷)؛ چون منافع دنیا در مقایسه با منافع آخرت، بسیار اندک است (توبه: ۳۸).

در روایات اسلامی نیز مقایسه مشابهی انجام شده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «... وَ أَرْمَعُ التَّرْحَالَ عِبَادُ اللَّهِ الْأَخْيَارُ وَ بَاعُوا قَلِيلًا مِنَ الدُّنْيَا لَأَيِّقِي بِكَثِيرٍ مِنَ الْآخِرَةِ لَأَيِّقِي...» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۴، خطبه ۱۸۲)؛ بندگان خوب خدا آماده کوچ‌اند؛ اندک دنیا را که ماندنی نیست، به کثیر آخرت که از بین‌رفتنی نیست، معامله کردند. ایشان خطاب به طلحه و زبیر که به‌خاطر طرف مشورت قرار نگرفتن در امور حکومت و تقسیم بیت‌المال گلیه و شکایت داشتند، فرمود: «لَقَدْ نَقَمْتُمْ يَسِيرًا وَ أَرْجَأْتُمْ كَثِيرًا...» (همان، ص ۳۲۱، کلمات قصار ۲۰۵)؛ برای اندک (دنیا) خشم گرفتید و فراوان (آخرت) را وا گذاشتید. راجع به بنی‌امیه فرمود: «أَثَرُوا عَاجِلًا وَ آخَرُوا أَجَلًا وَ تَرَكَوْا صَافِيًا وَ شَرَبُوا أَجِنًا» (همان، ص ۲۰۱، خطبه ۱۴۴)؛ دنیا را

عمومی، فردگرایی روش شناسانه است نه فردگرایی فلسفی (تمدن چهارمی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷). با این وجود، فردگرایی یا جامعه‌گرایی حقوقی می‌تواند در انتخاب عمومی جهت‌دهنده باشد؛ زیرا در تصمیم‌گیری عمومی، هر کدام از رویکردهای فردگرایی و جامعه‌گرایی تأثیر خاص خود را دارد.

اینکه در هنگام تزاخم یا تعارض منافع فرد و جامعه، تصمیم‌گیرندگان بخش عمومی در اقتصاد اسلامی کدام‌یک را مقدم بدانند، بستگی به رویکرد حقوقی اصالت فرد و جامعه در اسلام دارد که دو بحث وجودشناسانه در اینجا مطرح شده است: یکی، تقدم منافع فرد است تا زمینه برای ایثار و فداکاری او فراهم شود؛ این دیدگاه را می‌توان به آیت‌الله جوادی آملی منتسب کرد؛ زیرا نوشته است:

هرگاه میان حق و منفعت فرد از یک‌سو و حقوق و منافع اجتماعی از سوی دیگر، تعارضی پیش آید، اسلام بر اساس «... وَ يُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...» (حشر: ۹) حق فرد را مقدم می‌دارد؛ لیکن با این هدف که روح فداکاری، از خودگذشتگی، کوثر و ایثار را در فرد مسلمان احیا کند؛ نه اینکه روحیه طمع، حرص، تکاثر و استیثار را در او تقویت کند؛ زیرا اسلام برخلاف سایر مکاتب مادی حیات انسان را محدود به دنیا نمی‌داند» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۹).

دیگری بحث اهم و مهم است که معمولاً در تعارض میان منافع فرد و جامعه، نتیجه مصلحت‌سنجی‌ها به نفع جامعه تمام می‌شود و از باب تقدیم اهم بر مهم، منافع جامعه بر منافع فرد مقدم می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۸۴). از این موضوع به‌عنوان یک اصل (گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ص ۱۶۵) و یکی از ملاک‌های تعیین اهم و مهم (نظری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶) یاد شده است. سخن و سیره معصومان علیهم‌السلام هر دو موضوع (ایثار و مصلحت جمع) را تأیید می‌کند؛ به‌عنوان نمونه، امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در بیان دلیل خودداری خود نسبت به مطالبه حق خلافت می‌فرماید: «لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَيْرِي وَ وَاللَّهِ لَأَسْلِمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ...» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۷۴، ص ۱۰۲)؛ شما خوب می‌دانستید که من به امر خلافت سزاوارتر از غیر خود هستم و سوگند به خدا تا وقتی که امور مسلمانان در سلامت باشد، من تسلیم خواهم بود.

۲-۲-۲. عقلانیت اقتصادی

پژوهشگران مسلمان از دو نوع عقلانیت محدود و تکامل‌یافته

پیش انداختند و آخرت را عقب انداختند، آب‌گوارا را رها کردند و آب گندیده را خوردند. خطاب به فرزندش می‌فرماید: «إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا» (همان، ص ۴۰۰، کلمات قصار ۳۱)؛ یعنی هدف اصلی، زندگی آخرت است نه زندگی دنیا.

از آیات و روایاتی که به‌عنوان نمونه استفاده شده، این معرفت حاصل می‌شود که منافع دنیا در مقایسه با منافع آخرت بسیار ناپایدار و ناچیز است و اگر کسی در رفتار خود نتواند بین منافع دنیایی و آخرتی سازگاری برقرار کند و منافع زودگذر دنیا را بر منافع پایدار آخرت ترجیح دهد، عقلایی عمل نکرده است. چنین معرفتی، اسلامی است؛ چون ملاک‌های اسلامی بودن (ر.ک: توکلی، ۱۳۹۵) را دارد.

۲-۲. مبانی هستی‌شناختی

مبانی هستی‌شناختی، به پیش‌فرض‌های وجودشناسانه نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی می‌پردازد. هستی‌شناختی‌ای که بر همه نظریه‌های اقتصاد اسلامی از جمله انتخاب عمومی حاکم است. هستی‌شناختی توحیدی در مقابل هستی‌شناسی طبیعی است (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۶). هستی‌شناختی توحیدی، فروض وجودشناسانه نظریه انتخاب عمومی را در ارتباط با سه مبنای اصلی آن در اقتصاد نئوکلاسیک که فردگرایی، انسان اقتصادی و بازار سیاست باشد، کاملاً تغییر می‌دهد.

۲-۲-۱. فرد / جامعه‌گرایی

در موضوع فرد و جامعه، این بحث هستی‌شناختی مطرح است که در جهان انسان‌ها، اصالت با فرد انسان است یا جامعه انسانی؟ اصالت یا به معنای فلسفی، وجود حقیقی داشتن؛ یا به معنای روان‌شناختی - اجتماعی، تأثیر و نفوذ و یا به معنای حقوقی، تقدم منافع و مصالح است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۶-۵۲). به‌همین دلیل، بعضی تغییر به اصالت حقوقی، اصالت اجتماعی و اصالت فلسفی کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۸-۲۹۵).

پذیرش یا رد اصالت فلسفی جامعه، تأثیر چندانی در بحث انتخاب عمومی ندارد؛ چراکه منکران اصالت فلسفی جامعه، اموری همچون حقوق، منافع و مصالح جامعه و یا تأثیر و نفوذ جامعه بر افراد را به‌جای جامعه به اکثریت افراد نسبت می‌دهند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۴۸ و ۸۹) که همین مقدار برای بحث انتخاب عمومی کفایت می‌کند. علاوه بر این، فردگرایی مطرح در نظریه انتخاب

ابعاد وجودی انسان توجه دارد و ثانیاً بر انطباق عقل و شرع در محتوای متعلق تأکید می‌کند. براین اساس، یک رفتار در صورتی از منظر دین، عقلانی است که مورد تصویب عقل و شرع هر دو باشد؛ یا حداقل مخالفتی با شرع نداشته باشد (جوشقانی نائینی، ۱۳۹۷، ص ۹۴). نمود این‌گونه عقلانیت، خیرخواهی در جامعه است که براساس آن، منافع فرد با منافع جمع همسو می‌شود (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۰).

عقلانیت تکامل یافته، در پرتو ایمان قوی حاصل می‌شود و آن‌گونه که شهید مطهری تأکید کرده، اگر ایمان نباشد، عقل نمی‌تواند انسان را فراتر از نفع شخصی رهنمون شود. از نظر ایشان، منفعت‌طلبان دنیا همه عقل دارند؛ ولی چون به ورای منافع فردی ایمان ندارند، مصالح خودشان را در همین منافع فردی می‌دانند؛ اما اگر ایمانی به یک مصلحت بالاتر پیدا شد که منفعت شخصی در مقابل آن مصلحت، کوچک‌تر بود، آن وقت عقل به مصلحت مهم‌تر رهنمون می‌شود (مطهری، بی تا، ج ۴، ص ۳۲۳). علامه طباطبائی از دو نوع منطق سخن گفته است که در معرض انتخاب انسان‌ها قرار دارد: منطق احساس و منطق تعقل. منطق احساس، انسان را به سوی منافع دنیایی فرامی‌خواند و منطق تعقل که منطق اسلام است، انسان را به سوی پیروی از حق به‌عنوان بهترین منفعت فرامی‌خواند و آن‌چه را نزد خداست، بهتر و ماندنی می‌داند. در منطق تعقل، منفعت دنیایی، منفعت درجه دوم به حساب می‌آید و نسبت به منفعت اخروی، طفیلی است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۱۲ و ۱۱۴). در این دسته‌بندی عقلانیت ابزاری و عقلانیت محدود در دسته منطق احساس قرار می‌گیرند، نه منطق تعقل.

بنابراین انسان اقتصادی در اسلام، انسانی است که با برخورداری از عقلانیت تکامل یافته، به منافع شخصی بلندمدت و پایدار خود در جهان آخرت می‌اندیشد و قادر است از منافع شخصی دنیایی و ناپایدار خود در جهت منافع عموم (درواقع، منافع شخصی اخروی و دائمی خود) کناره‌گیری کند. لذا در قانون‌گذاری و ایجاد قواعد و ساختارها و همچنین در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و... مصلحت عموم را در نظر می‌گیرد.

۲-۲-۳. سیاست به‌مثابه تکلیف

در نظریه انتخاب عمومی متعارف، سیاست نوعی مبادله میان افراد مختلف است که در آن هر فرد اهداف شخصی خود را از طریق یک سازوکار جمعی (بازار سیاست) دنبال می‌کند و ملاک خوب یا بد

به‌عنوان ملاک و معیار انتخاب انسان اقتصادی بحث کرده‌اند. عقلانیت محدود، ناظر به واقعیت‌های عینی و محدودیت‌های دانشی، انگیزشی و ارادی انسان در انتخاب عقلایی است (ر.ک: توکلی، ۱۴۰۰ الف)؛ و عقلانیت تکامل یافته، به وضعیت بایسته و آرمانی از نظر اسلام و عبور از محدودیت‌ها توجه دارد. نظریه عقلانیت محدود با این رویکرد مطرح شده که عقلانیت موردنظر اسلام را به واقعیت‌های عینی نزدیک کند و محدودیت‌هایی را که فرد در فرایند انتخاب عقلایی با آن مواجه است را در درون نظریه به‌رسمیت بشناسد. به‌همین جهت، اسم عقلانیت در حال تکامل یا رو به تکامل را نیز روی آن گذاشته‌اند (همان).

عقلانیت محدود، بسیار شبیه به عقلانیت ابزاری مطرح در نظریه انتخاب عمومی اقتصاد نئوکلاسیک است و تفاوت معناداری بین محتوای دو نظریه دیده نمی‌شود. تنها تفاوت این است که مواردی همچون نقص اطلاعات، کوتاه‌بینی و حرص و طمع و خودخواهی؛ در یکی، جزء عقلانیت و در دیگری، محدودیت‌های عقلانیت محسوب شده‌اند؛ و گرنه خروجی هر دو، نوعی عقلانیت ناقص است که با عقلانیت موردنظر اسلام فاصله دارد. توجه اسلام به محدودیت‌های بشر در موضوع عقلانیت، به معنای صحه گذاشتن بر آن نیست؛ بلکه به معنای مقابله با آن و تلاش برای عبور از محدودیت‌هاست. به‌همین دلیل قرآن کریم بجز مؤمنانی را که عمل صالح انجام می‌دهند و سفارش به حق و صبر می‌کنند، رفتار بقیه را زیان‌بار (غیرعقلانی) می‌خواند (عصر: ۱-۳). بنابراین از نظر اسلام تنها انتخابی که می‌تواند عقلایی باشد، انتخاب براساس عقلانیت تکامل یافته است.

انتخاب براساس عقلانیت تکامل یافته، به انتخاب آگاهانه و سازگار با کمال حقیقی و برتر، گفته می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۴۸-۱۴۹). دو عنصر «شناخت کمال حقیقی» و «انتخاب کمال برتر»، از عناصر اصلی رفتار عقلانی محسوب می‌شوند. اگر انسان نداند که کمال حقیقی چیست و یا بداند ولی آن را انتخاب نکند و به چیزهای بی‌ارزش و یا ضد کمال، بسنده کند؛ عقلانی رفتار نکرده است.

عقلانیت تکامل یافته عقلانیتی است که در پرتو تعالیم وحی پرورش یافته و به مراحل از کمال رسیده است. لذا امام حسین علیه السلام فرموده است: «لَا يَكْمُلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۲۷)؛ عقل کامل نمی‌شود مگر به تبعیت از حق. چنین عقلانیتی، اولاً به تمام

بعضی از فیلسوفان مسلمان با استفاده از آیات و روایات، قوای نفسانی انسان را دارای مراتب طولی دانسته‌اند که از مرتبه نباتی شروع می‌شود و پس از مرتبه حیوانی به مرتبه انسانی می‌رسد که خود نیز دارای مراتب است و بالاترین آنها به اولیا و امامان معصوم علیهم‌السلام اختصاص دارد (همان، ص ۱۶۹). توجه به منافع مادی زودگذر و نادیده گرفتن منافع بلندمدت معنوی، در مرتبه حیوانی و یا مراتب نازل انسانی صورت می‌گیرد؛ و هرچه مرتبه انسانی ارتقا یابد، منافع شخصی رنگ و بوی بلندمدت و معنوی به خود می‌گیرد و هماهنگی بین منافع شخصی و جمعی بیشتر و بیشتر می‌شود. کمال روح، مرتبه و شأن خلافت و حیات اخروی، ویژگی‌هایی در انسان است که موجب می‌شود فرمول محاسبات ذهنی او تغییر کند و عقلانیت را در کمال جویی، جانشینی شایسته و رستگاری آخرت ببیند.

۲-۴. مبانی ارزش‌شناختی

ارزش‌شناختی، آن دسته از پیش‌فرض‌های ارزش‌شناسانه اقتصاد اسلامی است که نظریه انتخاب عمومی بر آنها استوار می‌شود. باید توجه داشت که منظور از ارزش، ارزش اقتصادی نیست؛ بلکه ارزش اخلاقی است که در یک دیدگاه، مرادف با مطلوبیت دانسته شده (همان، ص ۱۹۱-۱۹۲؛ شریفی، ۱۳۹۴، ص ۳۳۳) و براساس آن، صفت «ارزشمند» در مورد چیزهایی به کار می‌رود که از نظر فرد، گروه یا جامعه‌ای مطلوب باشند

دیدگاه دیگر این است که ارزش به معنای حقیقی کلمه غیر از مطلوبیت است؛ زیرا مطلوبیت مربوط به گرایش انسان می‌شود که ممکن است نسبتی با ارزش حقیقی که فراتر از گرایش و میل انسان است، نداشته باشد. ارزش حقیقی در کارهایی متجلی می‌شود که براساس اراده اخلاقی صورت گرفته، نه میل طبیعی (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸). به تعبیر دیگر، کارهایی متصف به ارزشمندی می‌شود که با انگیزه‌ای فوق انگیزه‌های طبیعی، یعنی انگیزه‌های اخلاقی صورت بگیرند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۱).

با توجه به اینکه بعضی از کسانی که ارزش را مرادف مطلوبیت دانسته‌اند، قید «سلیقه‌ای و قراردادی نبودن و بلکه واقعی و در جهت وصول به کمال نهایی حقیقی انسان بودن» را به مطلوبیت افزوده‌اند (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۳۴۳-۳۴۴)، اختلاف معناداری بین دو دیدگاه باقی نمی‌ماند.

از ویژگی‌های انگیزه‌های اخلاقی، برخلاف انگیزه‌های طبیعی، عدم

بودن یک عمل سیاسی، براساس رضایت افراد سنجیده می‌شود نه ملاک‌هایی مانند حرکت به سمت ایده‌هایی که به طور برون‌زا تعریف شده‌اند (بوکانان، ۱۳۸۶). چنین پیش‌فرضی در اقتصاد اسلامی جایگاهی ندارد؛ چراکه سیاست مربوط به حوزه عمومی است که آنجا بحث از حق و تکلیف است (بیدار، ۱۳۹۷، ص ۲۴۹)؛ نه مبادله برای کسب سود و منفعت شخصی. حتی اگر مفهوم توسعه‌یافته مبادله و منفعت شخصی لحاظ شود، باز هم ارتباطی با بازار پیدا نمی‌کند؛ چون بحث از مبادله با خدا به منظور کسب منفعت معنوی و پاداش اخروی است، نه مبادله با دیگر افراد به منظور کسب منافع مادی. از این رو تکلیف بودن سیاست ایجاب می‌کند که انجام تکلیف سیاسی، یک عمل عقلایی باشد نه مبادلات سیاسی منفعت‌طلبانه.

۲-۳. مبانی انسان‌شناختی

پیش‌فرض انسان‌شناختی، به تعریف منافع حقیقی انسان کمک می‌کند؛ زیرا نوع نگاه ما به انسان است که تعیین می‌کند منافع او چیست و آیا از ره‌گذر منافع عمومی می‌گذرد یا در تعارض با آن قرار دارد؛ با توجه به آیات قرآن، انسان جایگاه ویژه‌ای در نظام هستی دارد و این به خاطر ویژگی او در آفرینش است. انسان در مرحله تکوین، موجودی با کرامت و برتر آفریده شده (اسراء: ۷۰) که با توجه به قابلیت‌های خود، می‌تواند در مرحله تشریح هم به کرامت اکتسابی برسد (حجرات: ۱۳).

منشأ کرامت انسان در هر دو مرحله، دمیده شدن روح الهی در کالبد اوست که هم باعث شده انسان به لحاظ وجودی، موجود دوساختی و مرکب از جسم و روح باشد و هم به لحاظ جایگاه در میان سایر مخلوقات، مسجود فرشتگان واقع شود (ص: ۷۱-۷۳) و شایستگی خلافت الهی را پیدا کند (بقره: ۳۰). روح، بخش اصلی وجود انسان را تشکیل می‌دهد و از جاودانگی برخوردار است (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۳۲۱-۳۲۲). جاودانگی انسان در زندگی پس از این دنیا رقم می‌خورد؛ جایی که انسان نسبت به عملکردش در این دنیا بازخواست می‌شود (آل عمران: ۳۰) و به تناسب اعمال خود، در بهشت یا جهنم خلود می‌یابد (بقره: ۸۱-۸۲). لذا اگر تراحمی میان کمال روح و کمال جسم به وجود آید، کمال روح در اولویت است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷-۱۶۸). به‌عنوان مثال اگر کمال روح در جان‌فشانی برای حفاظت از منافع عموم باشد و کمال جسم در خوشگذرانی و استراحت، کمال روح مقدم است.

انتخاب عمومی نقش دارند، اهداف و نتایج عملی و کاربردی نظریه مزبور نیز به‌شمار می‌روند. مبانی کاربردی نظریه انتخاب عمومی براساس استقراء، شامل عدالت اجتماعی، مصالح اجتماعی و همبستگی اجتماعی می‌گردد. این اهداف، بدون تحقق انتخاب عمومی موردنظر اسلام به‌دست نمی‌آید و حتی تحقق نسبی انتخاب عمومی اسلامی به تأمین نسبی آنها کمک می‌کند.

۳-۱. مصالح اجتماعی

در اسلام، مصلحت اجتماعی اهمیت دارد و در بسیاری موارد بر مصالح فردی مقدم شده است. از این رو افراد چه در فعالیت‌های خصوصی و چه عمومی، اجازه ندارند مصالح اجتماعی را به‌خطر بیندازند. به‌عنوان نمونه، قرآن کریم قرار دادن اموال در دست سفیهان جامعه را ممنوع کرده (نساء: ۵) تا مبادا با تصرف نادرست خود باعث نابودی اموال و تباهی جامعه گردند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۷۰). همچنین، اصل وارد نکردن زیان بر مصالح مردم و تأکید بر حمایت و گسترش مصالح اجتماعی به‌عنوان یکی از اهداف قوانین اسلامی مطرح شده است (صادق و غزالی، ۱۳۸۵، ص ۹۶). براین اساس، پی‌گیری و پیشینه‌سازی نفع شخصی حتی در حوزه‌های خصوصی، مقید به رعایت مصالح اجتماعی است، چه رسد به حوزه‌های عمومی که فرد مسئول مستقیم حفظ مصالح اجتماعی است. به هر اندازه که انتخاب عمومی به مفهوم اسلامی آن در جامعه نهادینه شود، مصالح اجتماعی به نقطه بهینه خود نزدیک‌تر می‌شود.

۳-۲. عدالت اجتماعی

مصلحت اجتماعی در گرو عدالت اجتماعی است؛ زیرا اساس شکل‌گیری جامعه و تبادلات بین اعضای آن به‌منظور تأمین نیازهای فردی و اجتماعی است. مصلحت اجتماعی در آن است که مبادله به‌صورت عادلانه صورت بگیرد و هر فرد متناسب با آنچه از دست می‌دهد، به‌دست آورد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۳۶۳). اگر این تناسب حتی در مورد یک فرد دچار اختلال شود، مصلحت اجتماعی بهینه نشده است و هرچه اختلال‌ها بیشتر شود، مصلحت اجتماعی نیز از نقطه بهینه خود دورتر می‌شود. یکی از فلسفه‌های تشکیل حکومت و واگذاری امور به کارگزاران شایسته، تحقق عدالت اجتماعی است (لطیفی، ۱۳۷۹). اگر انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های کارگزاران دولتی در مغایرت با عدالت

نسبیت است (همان؛ توکلی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۸-۲۱۷)، زیرا از بُعد معنوی انسان سرچشمه می‌گیرد که نسبت‌بردار نیست (روم: ۳۰). به بیان دیگر، انسان از جهت انسانیت خود، سعادت و شقاوت مشخص و ثابت دارد و از یک مسیر مشخص به‌سمت سعادت هدایت می‌شود که غیر آن مسیر، به شقاوت منتهی می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۱۷۹). غایت ارزش‌های اخلاقی که انسان می‌تواند به آنها برسد، قرب و رضوان الهی است (توبه: ۷۲). بالاترین ارزش آن است که انسان ملاک کار خود را رضایت پروردگار قرار دهد نه ارضای خود؛ زیرا اگر رضایت خداوند نباشد، بهشت برین هم ارزشی ندارد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۳۳۹). رضوان الهی به‌عنوان غایت ارزش‌ها، ارزش ذاتی و مستقل دارد و سایر ارزش‌ها به‌خاطر اینکه انسان را برای رسیدن به ارزش نهایی کمک می‌کنند، ارزش ابزاری و وابسته دارند. سلسله‌مراتب ارزش‌های وابسته، براساس میزان تأثیر آنها در رسیدن به ارزش نهایی و ذاتی تعیین می‌شود. هرچه تأثیر فزون‌تر باشد، ارزش‌مندی بیشتر است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۹). در تأثیرگذاری، حسن فعلی به‌تنهایی کفایت نمی‌کند؛ بلکه در کنار آن، حسن فاعلی هم باید باشد که در نیت متجلی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۳۵۵). از مجموع اینها می‌توان نتیجه گرفت که در موضوع انتخاب عمومی نیز، هدف اصلی انتخاب‌کننده باید قرب و رضوان الهی باشد و گرنه ارزشی ندارد. براین اساس افراد باید تلاش کنند تا منافع خود را با توجه به هدف نهایی قرب الهی پیشینه سازند. این نوع بهینه‌یابی، در حوزه فعالیت‌های خصوصی و عمومی هر دو قابل تطبیق است.

تا اینجا مشخص شد که مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی نوعی از انتخاب عمومی را پایه‌گذاری می‌کند که ویژگی آن، هم‌سویی و سازگاری منافع فردی و منافع جمعی است. این هم‌سویی، کاربردهای اقتصادی - اجتماعی مهمی از منظر تحقق اهداف اقتصادی اسلام در جامعه دارد که در اقتصاد ایران نیز مورد توجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان بخش عمومی بوده و هست.

۳. مبانی کاربردی نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی

مراد از مبانی کاربردی در اینجا آن دسته از اصول و پیش‌فرض‌های کلی و بدیهی است که علاوه بر اینکه در تحقق زمینه‌های نظریه

باشد دارد و آنان به عنوان یک خانواده باید نیازهای شدید همدیگر را برطرف کنند (همان، ص ۷۷۴-۷۷۶).

در ضمان اعاله، قطع نظر از ضمان فردی و ضمان اجتماعی به شکل تکافل همگانی، حکومت اسلامی مسئولیت مستقیم دارد که سطح معیشت ناتوانان و نیازمندان جامعه را به سطح معیشت متعارف در هر زمان برساند (نظری، ۱۳۹۹، ص ۱۴۵). مبنای ضمان اعاله، حق جامعه در منابع ثروت است که قرآن به آن صراحت دارد (بقره: ۲۹). وظیفه حکومت، فراهم کردن زمینه استیفای حق یادشده در حد تأمین معیشت متعارف برای همگان است. از آنجاکه اقشار ضعیف جامعه نمی‌توانند حقوق خود را استیفا کنند و معیشت خود را به سطح عموم جامعه برسانند، حکومت باید با استفاده از منابع ثروت جامعه، معیشت آنان را به سطح عموم برساند. مالکیت عمومی و مالکیت دولتی در مورد بعضی از منابع ثروت در اسلام، مکانیزی است برای تحقق این هدف که به روشنی در قرآن بیان شده است (حشر: ۶-۷). از آیات معروف به فیء، استفاده می‌شود که اولاً همه باید از ثروت جامعه بهره‌مند باشند، نه فقط ثروتمندان؛ و ثانیاً حکومت باید با استفاده از مالکیت‌های عمومی و دولتی تحت عنوان «فیء»، کاستی‌های موجود در همگانی شدن ثروت را برطرف کرده و نیازمندان جامعه را بهره‌مند سازد (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۷۷-۷۸۲). در مجموع، ضمان اجتماعی به عنوان یکی از وظایف و مسئولیت‌های حکومت، بدون انتخاب عمومی به مفهوم اسلامی آن که خیرخواهی و رعایت مصالح عمومی جزء تفکیک‌ناپذیر آن است، محقق نمی‌شود.

۳-۲-۲. توازن اجتماعی

توازن اجتماعی نیز یکی دیگر از ابزارهای عدالت اجتماعی در اسلام به شمار می‌رود و به معنای هم‌سنگی افراد جامعه در سطح معیشت است. منظور از هم‌سنگی در سطح معیشت آن است که هر فرد از افراد جامعه درآمد کافی برای زندگی در سطح معیشت عموم را داشته باشد؛ هرچند که در درون این سطح از معیشت نیز ممکن است درجه‌بندی‌هایی وجود داشته باشد (همان، ص ۷۸۵-۷۸۶). توازن اجتماعی هدفی است که حکومت اسلامی باید درصدد تحقق آن باشد. یکی از شاخص‌های تحقق این هدف، قرار داشتن سطح مصرف همه افراد جامعه در محدوده بین کفاف و اسراف است (همان، ص ۷۸۶). قرار داشتن مصرف در محدوده یادشده، حاکی از نزدیک بودن سطح

اجتماعی باشد، به مسئولیت خود عمل نکرده‌اند. به همین دلیل، در رأس حکومت اسلامی باید شخص عادل باشد (نساء: ۵۸؛ مائده: ۴۲) تا هم خود به عدالت رفتار کند و هم کارگزاران عادل را در اداره امور جامعه به‌گمارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۳-۱۹۶).

در آیات و روایات، عقلانیت منوط به رفتار عادلانه شده است، قرآن کریم، عدالت را به تقوا نزدیک‌تر دانسته است (مائده: ۸)؛ همچنین، زمانی که از حضرت علی علیه السلام سؤال شد: «صِفْ لَنَا الْعَاقِلَ»؛ عاقل را برای ما توصیف کن، فرمودند: «هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۰، حکمت ۲۳۵)؛ کسی که هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد. با توجه به تعریف حضرت از عدل که فرموده: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (همان، ص ۵۵۳، حکمت ۴۴۶)، مفهومش این می‌شود که عاقل یعنی عادل. لذا تصمیم‌گیری‌های عمومی که به عدالت اجتماعی منجر نشود و یا در جهت مخالف آن باشد، عاقلانه نیست. بنابراین انتخاب عمومی به مفهوم انتخاب براساس عقلانیت تکامل یافته به معنای انتخاب عادلانه است که با دو سازوکار ضمان اجتماعی و توازن اجتماعی محقق می‌گردد.

۳-۲-۱. ضمان اجتماعی

ضمان اجتماعی از مفاهیم خاص اقتصاد اسلامی و به عنوان یکی از ابزارهای تحقق عدالت اجتماعی به معنای تضمین معیشت افراد جامعه از سوی حکومت اسلامی است (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۷۳). از نظر شهید صدر، نقش حکومت اسلامی در تأمین معیشت افراد جامعه چه به صورت ضمان فردی و چه ضمان اجتماعی، بسیار برجسته است. در ضمان فردی، حکومت اسلامی باید امکانات کار و فرصت مشارکت و سهم‌گیری در فعالیت‌های اقتصادی را برای همه فراهم کند تا هر فرد بتواند از طریق فعالیت اقتصادی تأمین معیشت کند. در ضمان اجتماعی که خود دارای دو مرحله «تکافل عمومی» و «ضمان اعاله» است، نقش حکومت اسلامی در اولی غیرمستقیم و در دومی مستقیم است. در تکافل عمومی که فرد فرد مسلمان باید در حد توان خود کفالت افراد نیازمند جامعه را بر عهده بگیرد و به‌عنوان واجب مالی، در تأمین ضروریات زندگی و نیازهای شدید نیازمندان جامعه سهم بگیرد، حکومت اسلامی باید افراد را به انجام واجب مالی‌شان ترغیب و حتی وادار کند. این مقدار از کفالت همگانی، ریشه در یک امر اخلاقی که اخوت عمومی مسلمان‌ها

اجتماعی توسط آنان، به همبستگی بیشتر دولت - ملت و در نتیجه همبستگی اجتماعی منجر می‌شود.

نتیجه‌گیری

نظریه انتخاب عمومی به معنای تحلیل اقتصادی سیاست یا تصمیم منطق نفع شخصی به حوزه‌های عمومی، مبتنی بر مبانی علم اقتصاد است. بررسی مبانی اقتصاد اسلامی، مفهوم جدیدی از انتخاب عمومی ارائه می‌دهد که نسبت به نظریه انتخاب عمومی متعارف تفاوت دارد. پیش فرض‌های معرفت‌شناسانه اقتصاد اسلامی بر نوعی از شناخت تأکید دارد که براساس آن، منافع اصلی انسان، از جنس منافع اخروی است و منافع دنیوی، در صورتی منفعت محسوب می‌شوند که همسو با منافع اخروی انسان باشند؛ آن‌هم منفعت طفیلی. چنین شناختی، از طریق بسط منفعت شخصی، مفهوم انتخاب عقلایی را براساس منافع اخروی تعریف می‌کند.

پیش فرض‌های هستی‌شناسانه اقتصاد اسلامی که بر هستی‌شناختی توحیدی تأکید دارند، عقلانیت را در چارچوب منافع آخرت انسان ارزیابی می‌کند و انتخابی را عقلانی می‌داند که در راستای تأمین مصالح عموم و براساس انجام تکالیف الهی باشد. پیش فرض انسان‌شناختی اقتصاد اسلامی، انسان را موجودی برتر، دارای نفخه الهی و زندگی جاودانه در جهان آخرت می‌داند که سعادت و شقاوتش به نحوه زندگی و چگونگی انتخاب او در این دنیا بستگی دارد؛ انتخابی که او را به سعادت در جهان آخرت برساند، عقلایی و وگرنه غیرعقلایی است. مبنای ارزش‌شناسی اقتصاد اسلامی، در هماهنگی کامل با سایر مبانی، رسیدن به مقام قرب و رضوان الهی را ارزش‌غایی می‌داند و ارزش سایر انتخاب‌ها را براساس هم‌سویی با ارزش‌غایی و میزان نزدیک‌بودن به آن رتبه‌بندی می‌کند. مبانی یادشده به‌عنوان مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی، منفعت حقیقی انسان را تعریف کرده و انتخاب او را در چارچوب عقلانیت تکامل‌یافته قرار می‌دهد. تبارز این نوع انتخاب در امور عمومی، انتخابی است که هم منافع پایدار و بلندمدت فرد را تأمین می‌کند و هم منافع اجتماعی را که به‌صورت اهداف اقتصادی - اجتماعی اسلام از جمله عدالت اجتماعی، ضمان اجتماعی، توازن و همبستگی اجتماعی تعریف شده است.

نتایج این تحقیق، برای اقتصاد ایران که از یک‌سو به دنبال تحقق

معیشت افراد جامعه است. اگر حکومت نتواند از یک‌سو مانع اسراف در جامعه شود و از سوی دیگر، حد کفاف را برای نیازمندان و مستمندان تأمین کند، اختلاف سطح معیشت ثروتمندان و مستمندان زیاد می‌شود و توازن اجتماعی به‌وجود نمی‌آید.

شرط تحقق این هدف، اجرای دقیق ضمان اجتماعی است که خود مسیر انتخاب و تصمیم‌گیری سیاست‌مداران و کارگزاران حکومت اسلامی را تعیین می‌کند. مسئولیت اساسی حکومت اسلامی در ضمان فردی و اجتماعی، هیچ‌زمینه‌ای برای سیاست‌مداران و کارگزاران باقی نمی‌گذارد که در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌هایشان به این موضوع توجه نداشته باشند؛ مگر اینکه بخواهند اسلامی عمل نکنند که برخلاف فرض است. طبق فرض، انتخاب و تصمیم‌گیری سیاست‌مداران و کارگزاران حکومت اسلامی تنها می‌تواند یک معیار داشته باشد و آن تأمین منافع عموم است.

۳-۳. همبستگی اجتماعی

در اسلام، تفکر اجتماعی بر اندیشه فردی غلبه دارد و هر جا سخن از فرد به میان آمده، به نحوی او را به‌عنوان عضوی از اعضای جامعه یاد کرده که سرنوشت مشترک با دیگر اعضا در پوشش جامعه دارد؛ هر کاری برای جامعه انجام دهد، در واقع برای خود انجام داده است؛ چون صلاح یا فساد جامعه، صلاح یا فساد اوست (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۰۶-۱۰۰). در ادبیات قرآنی دو واژه «تعاون» و «امت» بیانگر همبستگی اجتماعی مسلمانان است (مائده: ۲؛ آل عمران: ۱۱۰). هر فرد مسلمان به‌عنوان عضوی از جامعه اسلامی، مسئولیت دارد در حد توان به ترویج و گسترش کارهای خوب در جامعه کمک کند و در مقابل، خود را از دست داشتن در گناه و تجاوز به حقوق دیگران برحذر دارد، تا انسجام اجتماعی حفظ شود. همچنین مسلمانان به‌عنوان یک امت، ویژگی‌ای دارند که آنان را نسبت به سایر امت‌ها ممتاز ساخته است و آن امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خداست (آل عمران: ۱۱۰). امتی که مهم‌ترین امتیاز آن امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خدا باشد، انتخاب‌های افراد آن، بخصوص در تصمیم‌گیری‌های عمومی نمی‌تواند چیزی غیر از منافع عموم جامعه باشد؛ چون قرار گرفتن فرد در موقعیت انتخاب عمومی، مسئولیت او را نسبت به جامعه بیشتر می‌کند. از این‌رو خیرخواهی دولتمردان نسبت به عموم جامعه و حفظ مصالح

مسلمان، ترجمه احمد شعبانی، تهران، دانشگاه امام صادق ☞
 صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۲۴ق، *اقتصادنا*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات
 التخصصية للشهيد الصدر.
 صدیقی، محمد نجات‌الله، ۱۳۸۴، *آموزش علم اقتصاد از دیدگاه اسلامی*، ترجمه
 محمدرضا شاهرودی، تهران، دانشگاه امام صادق ☞.
 طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت،
 مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
 قحف، منذر، ۱۳۸۴، *نقش اقتصادی دولت در اسلام*، ترجمه محمدتقی گیلک
 حکیم‌آبادی، قم، دانشگاه مفید.
 گانینگ، جیمز پاتریک، ۱۳۸۵، *درک دموکراسی: رویکردی بر انتخاب عمومی*
(تحلیل اقتصادی نهادهای سیاسی)، ترجمه محسن رنانی و محمد
 خضری، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
 گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۴، *مبانی اقتصاد اسلامی*، قم و تهران، دفتر
 همکاری حوزه و دانشگاه و سمت.
 لطیفی، محمود، ۱۳۷۹، «عدالت اجتماعی در حکومت علوی»، *حکومت*
اسلامی، ش ۱۸، ص ۲۶-۵۵.
 مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، تصحیح جمعی از محققان، بیروت،
 دار احیاء التراث العربی.
 مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۰، *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، قم، مؤسسه
 آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.
 —، ۱۳۹۲، *حقوق و سیاست در قرآن*، نگارش محمد شهبازی، قم، مؤسسه
 آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.
 —، ۱۳۹۴، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، قم،
 مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.
 مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، *فلسفه اخلاق*، تهران، صدرا.
 —، بی‌تا، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
 نادران، الیاس و محمدجواد رضایی، ۱۳۹۰، «اقتصاد اسلامی و دلالت‌های
 نظریه انتخاب عمومی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۲، ص ۵۹-۸۶.
 نظری، حسن آقا، ۱۳۸۵، *نظریه پردازی اقتصاد اسلامی*، قم و تهران، پژوهشگاه
 حوزه و دانشگاه و سمت.
 —، ۱۳۹۹، *اصول و مبانی اقتصاد اسلامی*، قم و تهران، پژوهشگاه حوزه و
 دانشگاه و سمت.
 هادوی‌نیا، علی‌اصغر، ۱۳۸۳، *انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام*، تهران،
 پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 —، ۱۳۸۷، *فلسفه اقتصاد در پرتو جهان‌بینی قرآن کریم*، تهران، پژوهشگاه
 فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 —، ۱۳۹۸، «الگوی انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام»، *اقتصاد اسلامی*، ش
 ۷۴، ص ۳۵-۶۳.
 یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۶، *نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی)*،
 تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

اهداف اقتصاد اسلامی، از جمله عدالت اجتماعی است و از سوی دیگر با
 مشکل انتخاب عمومی و تعارض منافع مواجه است، می‌تواند راه‌گشا
 باشد؛ چراکه توجه به انتخاب عمومی به مفهوم اسلامی آن، با گسترش
 دایره شمول منافع شخصی، زمینه‌های تعارض منافع را کاهش داده و
 اهداف اقتصادی - اجتماعی اسلام را دست‌یافتنی‌تر می‌سازد. حاکمیت
 نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه جامع‌الشرایط در ایران، بستر مناسبی
 را برای تطبیق انتخاب عمومی به مفهوم اسلامی آن فراهم کرده است
 که با استفاده از ظرفیت آن می‌توان به ایجاد ساختارها و سازوکارهای
 نهادی مناسب پرداخت و با انتخاب و تعیین افراد شایسته در بخش‌های
 مهم حاکمیتی، مسیر تحقق آن را هموارتر کرد.

منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت.
 بوکانان، جیمز، ۱۳۸۶، «قانون اساسی سیاست اقتصادی»، ترجمه جعفر
 خیرخواهان، *اقتصاد سیاسی*، ش ۵۶، ص ۲۰-۷.
 بیدار برچین علیا، محمد، ۱۳۹۷، *ماهیت اقتصاد اسلامی (مکتب، نظام و علم)*،
 رساله دکتری اقتصاد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.
 پناهی بروجردی، محمدسعید، ۱۳۹۷، *بررسی تطبیقی انگیزه انسان اقتصادی از*
دیدگاه اسلام و غرب، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
 تمدن جهرمی، محمدحسین، ۱۳۸۹، *گفتارهایی در زمینه اقتصاد، علوم اجتماعی*
و ساختار روش علم، تهران، جهاد دانشگاهی.
 توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۴، «چیستی و کارکرد مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی»،
معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۱۳، ص ۱۰۷-۷۷.
 —، ۱۳۹۵، «پژوهشی در تعیین حدود و مرزهای مبانی معرفت‌شناختی
 اقتصاد اسلامی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۱۵، ص ۴۱-۶۲.
 —، ۱۳۹۸، *مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد*، قم، پژوهشگاه حوزه و
 دانشگاه.
 —، ۱۴۰۰الف، «چشم‌اندازهای نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد
 اسلامی»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۲۶، ص ۱۸۱-۲۱۰.
 —، ۱۴۰۰ب، «ساختار حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی
 اسلامی»، *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، ش ۲۲، ص ۴۱-۶۷.
 جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، زیر نظر محمدتقی
 مصباح یزدی، تهران، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
 جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، *جامعه در قرآن*، قم، اسراء.
 جوشقانی نائینی، سیدحمید، ۱۳۹۷، *بررسی تأثیر نهادها بر تصمیم‌گیری*
اقتصادی از دیدگاه اسلام، رساله دکتری اقتصاد، قم، مؤسسه آموزشی و
 پژوهشی امام خمینی ☞.
 شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۴، *مبانی علوم انسانی اسلامی*، تهران، آفتاب توسعه.
 صادق، ابوالحسن و عیدیت غزالی، ۱۳۸۵، *عقاید اقتصادی اندیشمندان*